

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۰ دسمبر ۲۰۱۴

اعتراف به شکنجه گری، نعل وارونه امپریالیسم

در روز سه شنبه ۹ دسمبر ۲۰۱۴ سنای امریکا گزارش پژوهش خویش را در مورد شکنجه سازمان "سیا" نسبت به کسانی که متهم به اقدامات تروریستی بودند بر ملا کرد و کوشید با نعل وارونه زدن، بر چهره بی آبروی امپریالیسم امریکا آب تظهير بریزد. اعتراف منتقدانه به تروریسم دولتی امریکا به ضد کسانی که به نادرستی و یا به درستی، آنها را تروریست نامیده است سالها بعد از تجاوز به عراق و افغانستان و آدمربائی آنها که دیگر قابل کتمان نبود روش جدیدی است برای تیرئه مجدد امپریالیسم امریکا در افکار عمومی مردم جهان. این اعترافات منتقدانه ادامه همان سیاستهای توسل به ابزار خشونت و زجر، برای مُقَر آوردن قربانیان است. سنای امریکا تنها به چیزی اعتراف کرده که نه توسط خود رژیم و دولت امریکا، بلکه توسط انسانهای قهرمانی برملا شده، که تا لحظه آخر امپریالیسم امریکا می خواست با سرکوبشان از افشاء این حقایق جلوگیری کند و این افراد را به زندانهای طولانی به نام خائن محکوم کرده است. این گزارش به ظاهر تکان دهنده، تنها بخش ناچیزی از مجموعه جنایات امریکاست تا اصل مسأله را لاپوشانی کند و برای آبروی از دست رفته به یاری اندیشمندان و روان شناسان خود مرهم دل پیدا کند. این اعترافات یک ضد حمله تبلیغاتی و برای رد گم کردن است و نه چیز دیگر.

امریکا با این کارش می خواهد در افکار عمومی مردم جهان که همه به این جنایتی که تا کنون مخفی می شد پی برده اند، چنین جلوه دهد که گویا این اتفاقات کار یک عده افراد "خاطی" بوده که "ارزشهای امریکائی" را بدون اطلاع بالائی ها، سرخود زیر پا گذارده اند. در ایران نیز این عده را "عوامل خودسر وزارت اطلاعات" می نامیدند که با "خودسری" به قتلهای زنجیره ئی دست زده و ظاهراً گویا بدون این که روح نظام و اسلام از آن با خبر باشند ارزشهای اسلامی را خدشه دار کرده اند. در امریکا این امدادهای غیبی با شکنجه افراد بیگناه، آدمربائی و زجر و عذاب آنها در المان، لهستان، رومانی، لیتوانی، مصر و سوریه و... مشغول بوده و این عملیات متهورانه و "انسانی" را سالیان سال ادامه داده اند و هیچ کس از آن با خبر نبوده است. ولی واقعیت خلاف دروغهائی است که در گزارش به سنای امریکا برای تیرئه امریکا ارائه می شود. اکنون دیگر تاریخ مصرف این شکنجه ها تمام شده است و اعتراف مزورانه به "نادرستی" آن می تواند شکنجه گران را تیرئه کند و بازار شکنجه های بعدی را گرم نگهدارد و سیمای شکنجه گر امپریالیسم را آرایش کند.

چگونه امکان دارد انسانهای بی گناه را در اقاصا نقاط جهان ربود، در المان در پایگاههای هوایی امریکا(رام اشتاین) آنها را با دستها و چشمان بسته با لگد و مشت به لهستان، کشورهای بالتیک، رومانی، و... فرستاد و کسی از آن خبر نداشته باشد. این امر نشان می دهد که مجموعه ای از دولتها برای نقض سیستماتیک حقوق بشر و آدمکشی با یکدیگر

همکاری می کرده اند. هواپیماهای آمریبائی با اجازه این دولتها در فرودگاههای آنها فرود می آمده و قربانیان بلاواسطه به شکنجه گاه ها گسیل می شدند و زیر نظر بازجویان امریکائی آخرین نوع عملیات زجر آور که مورد تأیید پزشکان امریکائی قرار گرفته است در مورد آنها برای گرفتن اعتراف به کار گرفته می شد. روش امپریالیسم امریکا همان روش کلیسای قرون وسطی است که با شکنجه محکومان و سوزاندن آنها در آتش و اتهام جادوگری و ساحری به آنها بستن، تا به آن حد آنها را شکنجه می کردند تا به اعترافات ساختگی برای تسریع در مرگشان دست بزنند. این روش کلیسای قرون وسطی را که ارزشهای اروپائی بود، انقلاب فرانسه به دور افکند و دست کلیسا را از زندگی مردم کوتاه کرد، ولی صدها سال بعد از آن امپریالیسم همان روشهای قرون وسطائی را که از ارزشهای دنیای امپریالیستی است، برای نقض حقوق انسانها به کار گرفته اند و همه دست اندر کاران سیاست امریکا از آن با خیر بوده و آن را تا زمان لازم تأیید کامل کرده اند. وزیر دادگستری، رئیس سازمان سیا، مشاور امنیتی و حقوقی **جرج بوش**، وزیر امور خارجه، شخص **جرج بوش** پسر و حتی عالیترین مقامات قضائی امریکا بر آن صحنه گذارده بودند. اگر این نظام نیست پس دیگر چیست؟ مگر **ترومن**، **آیزنهاور**، **کندی**، **جانسون**، **نیکسون**، **فورد**، **کارت**، **ریگان**، **جرج بوش پدر**، **کلینتن** و **اوباما** غیر از این کرده اند؟

تاریخ سیاست امپریالیسم امریکا تاریخ شکنجه، جنگ، کودتا، آدمکشی و جنایت است. امریکائی ها دانشگاه شکنجه دارند و مأموران امنیتی ممالک دوست را در این دانشگاهها به روشهای بازجویی امریکائی و آخرین تحولات و اکتشافات علمی در این عرصه آشنا می سازند. سربازان امریکائی را که برای تجاوز به امریکای مرکزی و جنوبی می فرستادند، با خود جزواتی همراه داشتند که در آنها با تصاویر و توضیحات کافی و علمی، انواع و اقسام روشهای اعتراضگری از اسراء را به آنها آموزش می دادند. این عمل و دستورالعمل کار چندتا سرباز مزدور و متجاوز نبود. دستگاهی دولتی و سازمان یافته در پشت سر آنها بود که تا جزئیات را تعیین کرده بود. به طوری که وقتی اسرار آن بر ملا شد و این کتب به دست نیروهای مخالف افتاد و منتشر گشت امریکائی ها نه راه پس داشتند و نه راه پیش. راه دور نرویم اخیراً کتابی به نام "دکترین شوک" به نگارش یک پژوهشگر کانادائی به نام "نائومی کلاین" منتشر شده است که تاریخچه جنایات امریکا و روشهای "علمی" آنها برای شست و شوی مغزی اسراء را در آن نشان می دهد. کتابی در المان نیز به نام "آرتیشکون" در این زمینه منتشر شده است که نشان می دهد شکنجه و کشتار و اعتراضگری و شست و شوی مغزی توسط امپریالیسم امریکا یک امر نهادینه شده و از ماهیت آن بر می خیزد و سابقه طولانی از زمان جنگ جهانی دارد. کسی نیست که خاطره جنایات امریکا در ویتنام و شکنجه هائی را که آنها به سربازان ویتنامی و مردم آن کشور می دادند فراموش کرده باشد. هنوز هم تصاویر فجایع امریکا در ویتنام، کامبوج، لائوس، کوریای شمالی، عراق، افغانستان، لیبیا، سوریه و... تکان دهنده است.

به داستان شکنجه در برزیل گوش دهید. از زمانی که خانم **دیلما روسف** در برزیل به مقام ریاست جمهوری رسیده است، دیگر نمی شد شکنجه های وحشیانه کودتاگران برزیلی را که با همکاری سازمان "سیا" صورت می گرفت، انکار کرد. خانم **دیلما یوسف** را نیز به عنوان تروریست در زندانهای کودتاگران شکنجه دادند و فکر نمی کردند که قربانی آنها روزی به مقام فعلی ریاست جمهوری برزیل برسد. وی خودش شکنجه خفگی مصنوعی با استفاده از آب را برای نخستین بار در سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ در زندانهای برزیل شاهد بود. همان دوران هم این روش، روش امریکائی محسوب می شد. در پژوهشهایی که با فشار افکار عمومی علی رغم دادن امان نامه به جنایتکاران کودتاگر منتشر شده است، یکی نیز مصاحبه با کروئل پالو مالانس **Coronel Paulo Malhaes** افسر شکنجه گر برزیلی و اعترافات وی است. وی اعتراف کرد که شکنجه به طور سازمانیافته در برزیل به کار گرفته می شد. وی اعتراف کرد که برای آموزش شکنجه به بریتانیای کبیر اعزام شده تا از تجارب آنها در شکنجه مبارزان ایرلندی استفاده کند. اسم

شکنجه آنها "تاب طوطی" بود. دوستان دیگر وی را نیز برای آموزش شکنجه، به مدرسه آمریکائی موجود در منطقه ترعه پاناما اعزام داشتند تا به آنها آموزشهای لازم را بدهند. سازمانهای امنیتی جهان و برزیل در ماه اپریل ۲۰۱۴ وی را به خاطر افشاء این اسرار ترور کردند و تا اسرار بیشتری را برملا نکنند(رجوع کنید به مقاله نشریه المانی زودویچه تسایتونگ مؤرخ ۲۰۱۴/۱۲/۱۲ "شوک بعد از سی سال" به مناسبت انتخاب مجدد خانم **دیلما روسف** به مقام ریاست جمهوری برزیل). این ها وقایع غیر قابل انکار هستند.

آیا می شود مدعی شد که همه رؤسای جمهوری آمریکا در گذشته نسبت به این همه جنایت بی خبر بوده اند؟ از جمله از پرتاب گازهای سمی که خودشان در اختیار **صدام حسین** گذارده بودند تا بر سر سربازان ایرانی و کردهای عراق بیندازد، بی خبر بودند؟ می توان مدعی شد که نظام امپریالیستی بر شالوده ای به جز شکنجه و جنایات استوار بوده و خواهد بود؟

روشن است که چنین امری ممکن نیست. شکنجه بخشی از سیاست خارجی و داخلی امپریالیست آمریکا برای سرکوب مخالفان است و این سیاست در آینده نیز ادامه خواهد داشت. این که امروز امپریالیست آمریکا این نیاز را دریافته که به انتقاد از خود دروغین دست یازد بیشتر نتیجه فشار مردم جهان و بی اعتبار شدن "ارزشهای آمریکائی-اروپائی" ادعائی آنها است که حناپیشان دیگر رنگی ندارد و موجبات تمسخر شنونده می شود. امپریالیسم آمریکا خلاف تبلیغات اخیر پشیمان و سرافکنده نیست و خودش این جنایات را در اثر پژوهش مستقل خود، کشف نکرده است، بلکه بر آن تا حد ممکن سرپوش گذارده است. افراد فداکاری این جنایات را برملا کرده اند چه در گذشته و چه در حال نظیر **ادوارد سنودن** و... امپریالیسم آمریکا به چیزی که دیگر قابل کتمان نیست اعتراف می کند و تلاش بیهوده دارد که به افکار عمومی چنین الفاء کند که این اقدامات نه یک امر ماهوی ناشی از ماهیت وی، بلکه یک مسأله گذرا بوده که محصول خطای فردی است و آمریکا "مسئولانه" به آن برخورد کرده، آن را محکوم نموده و دامن آلوده خویش را با این اعترافات کاذب پاک کرده است و در این صحنه سازی نعل وارونه زدن، می تواند مدعی شود که اعتراف به شکنجه کردن حتی خودش یک حسن است که از ماهیت "دموکراتیک" امپریالیسم ناشی می شود وگرنه بسیاری کشورها وجود دارند که در زندانهایشان شکنجه می دهند، ولی همین اعترافات "صمیمانه" را نیز نمی کنند. این اعترافات نشانه "صمیمیت" آمریکاست. آنها به مردم جهان وعده می دهند که دیگر شکنجه نخواهند کرد، آدم نخواهند کشت و گریه عابد و زاهد خواهد گردید. همین عوامفریبان ولی حاضر نیستند قانونهایی را که در این عرصه به تصویب رسانده اند رسماً منسوخ اعلام کنند. قانونها هنوز به قوت خویش باقی هستند، افراد "خاطی" مورد پیگرد قرار نمی گیرند، بلکه کل نظام از آنها حمایت می کند، ولی همه چیز مسکوت گذارده می شوند تا بعدها در صورت نیاز مجدداً از کشوی میزها بیرون بیایند. آمریکا حتی کتمان می کند که با فشار این نظام بسیاری از ممالک دیگر مجبور به شکنجه شده اند و در این شکنجه گاهها مأموران آمریکائی برای این که دستشان "کثیف" نشود به عنوان ناظر و مشاور حضور داشته اند. آمریکا اعتراف نمی کند در تمام ممالکی که حقوق بشر به زیر پا گذارده می شود و شکنجه اعمال می شود، همه دوستان آمریکا هستند و حتی آمریکا محکومیت آنها را در کمیسیونهای حقوق بشر و شورای امنیت وتو می کند.

اعترافات غیر قابل پرده پوشی و غیر قابل انکار کنونی امپریالیسم آمریکا، پرده ساتری بر ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم است.

حزب کارایران(توفان)

جمعه ۲۸ آذر ۱۳۹۳

www.toufan.org